

جشنواره‌ای برای ترویج ایثار

شهید علی‌لندی که در ماه گذشته با نجات جان دو خانم مسن، بازتاب خبری زیادی را مخصوصا در خبرگزاری‌های جهانی ایجاد کرده و این ایثار او باعث تلنگری جدی به دغدغه‌مندان حوزه نوجوان شده‌است، اکنون در این روزها که مصادف با هفته‌ملی نوجوان است، اتفاقات فرهنگی هنری زیادی در کشور به نوجوانان اختصاص یافته‌است. نخستین جشنواره شهید علی‌لندی با هدف ترویج ایثار و فداکاری همزمان با چهلمین روز شهادت وی و هفته‌ملی نوجوان فعالیت خود را آغاز کرده‌است.



در این جشنواره عموم علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را در قالب شعر، داستان، مقاله و... با هدف ترویج ایثار و فداکاری همچنین تحلیل از مقام شهید از طریق سایت به‌صورت مجازی بارگذاری کنند، پس از جمع‌آوری و داوری آثار بیش از ۳۰کمک‌هزینه سفر به کربلای معلی و خرید گوشی هوشمند به برگزیدگان اهدا خواهدشد. همچنین مهلت ارسال آثار تا ۳۰آبان ۱۴۰۰ است و اختتامیه این جشنواره در ۱۵آذر برگزار می‌شود. در افتتاحیه این مراسم -حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ربیعی درباره ایثار و فداکاری گفت: یکی از بزرگ‌ترین ارزش‌ها در دین ما ایثار و فداکاری است. معنی آثار آن است که انسان دیگران را به خود ترجیح بدهد. ایثار یک صفت عمومی نیست و صفتی برگزیده است و شامل ایثار مال و جان و ایثار آبرو می‌شود. وی افزود: ایثار جان بالاترین مقام در بین ایثارهاست. این شهید از مقامی بالا برخوردار است چراکه برای حفظ جان دو خانم مسن، زندگی‌اش را مانند شهیدفهمیده فدا کرد. در حالت طبیعی همه هنگام وقوع خطر مانند آتش‌سوزی و امثال این اتفاقات، جان خودشان را نجات می‌دهند اما آن کسی که حاضر به این فداکاری شده، خداوند او را جاودانه می‌کند و نمره‌ای ویژه به او اختصاص می‌دهد./ ایرنا

شهر زندگی به وقت نوجوانی



خانه نوجوان اصفهان به مناسبت روز نوجوان ۸ آبان و روز دانش آموز ۱۳آبان جشن‌های هفتگی با عنوان به وقت نوجوانی در چهارشنبه‌های ماه آبان برگزار می‌کند. برنامه‌ریزی و اجرای این جشن‌ها کاملاً برعهده نوجوانان بوده و سعی براین شده‌که در کنار جشن به مسائل و مشکلات نوجوانان با نگاهی طنز پرداخته شود. استندآپ، شعرخوانی، معرفی کتاب و اهدای جوایز به نوجوانان از جمله برنامه‌های جشن نوجوانان در شهر اصفهان است. هویت‌دهی به نوجوانان اصفهان از جمله اهداف خانه نوجوان این شهر است. همچنین مشارکت خانواده‌ها به همراه نوجوانان در این برنامه به عنوان یکی از نقاط قوت جشن به شمار می‌رود. زیرا با ایجاد فضای شاد و آرام نوجوانان و خانواده‌ها به گفت‌وگو در مورد مسائل خود پرداختند. صفیه‌سادات موسویان مدیر خانه نوجوان شهرداری اصفهان گفت: به همراه انگیزه نوجوانان و کادر ماهری که در پشت برنامه وجود داشت، می‌توانیم بگویم با وجود کرونا که استقبال بسیار خوبی از برنامه‌های این مرکز -چه به صورت مجازی و چه به صورت حضوری- با رعایت پروتکل‌ها صورت گرفت. امیدواریم در ادامه راه با کم‌شدن مشکلات این بیماری بتوانیم اتفاقات بیشتری برای نوجوانان شهر اصفهان رقم بزنیم. برنامه به وقت نوجوانی در شهر زندگی با مشارکت شهرداری اصفهان در چهارمеле از ۲۶آبان برگزار می‌شود.



چند هزار جان گرامی

ما نوجوان‌ها وقتی رشته‌مان را انتخاب می‌کنیم سردرگم و هیجان‌زده‌ایم که قرار است کجای دنیا را بگیریم و چه آینده‌ای در انتظارمان است. تصورش سخت است نوجوان ۱۵ساله رشته تجربی تصمیم بگیرد. برود جنگ و توی وصیت‌نامه‌اش بنویسد که دلش برای پدر و مادرش می‌سوخته‌است

فضای مجازی و شبکه‌های انوجوانان ما چه کرده‌است؟

نوجوانی که می‌خواهد همه مثل خودش باشند!

فضای مجازی نوجوان است. مثل فلفل تر و تازه‌ای که با ضرب و زور یک لیوان آب پایین برود؛ عصبانی، تند، پرسروصدا و گریه‌دار. با آرایشی از رنگ‌های غلیظ کوبریکی؛ از آبی و سبز آرتشی تا قرمزی که از پرنرنگی چشم را می‌زند؛ فضایی کوتاه‌مدت اما تاثیرگذار، با ویدئوهای چندثانیه‌ای از نحوه خوردن نودل با چاپستیک، تصاویری از کنسرت‌های بلک لایت با

آوازهایی از دور، چطور پوست خوبی داشته باشیم؟ به کجا مهاجرت کنیم؟ و چرا نباید خودکشی کنیم؟ مثل همین جملات کوتاه و پشت هم با ریتمی کوتاه و ضربتی. فضای مجازی نوجوانی ۱۶ساله است. یک ۱۶ساله پرنرزی که می‌خواهد همه مثل خودش فکر کنند و اگر نکنند یعنی من تنها هستم، هیچ‌کس درک درستی از من ندارد و من می‌خواهم هیچ‌کس چیزی

ولی وظیفه‌اش بوده که بجنگد. و از بقیه پدر مادرها خواسته مانع رفتن بچه‌هایشان نشوند و امام را مثل مردم کوفه تنها نگذارند، با ضد انقلاب‌ها نشست و برخاست نکنند و مدرسه‌ها و مساجد و نمازجمعه‌ها و جبهه‌ها را فراموش نکنند. و آخر این نامه شهیدحسن محمد رحیمی‌ها از سال‌های



نگوید و هیس! فرهنگ بلاک کردن از همین هیس چیزی نمی‌خواهم بشنوم می‌آید. نوجوان دهه هشتادی نسل بومی فضای مجازی است. چه بخواهیم و چه نخواهیم تمام نیازهای فکری، خلقی، رفتاری و عقیدتی‌اش- هر نیازی را که مادی نباشد - با تیک‌تاک، اینستاگرام، میم، گیف، استیکر، ویدئوموزیک‌های وایرال شده و فیلم‌های هالیوود ساکت می‌کند.

این شکل از ارضای موقت نیازهای ناموقت دهه هشتادی‌ها همان مثال آتشفشان زیر خاکستر است که نتایج آن زمانی بروز می‌کند که یک دهه هشتادی بشود رئیس جمهور، بشود امام جمعه بشود پدر و مادری که نقش خیلی مهمی به دوش می‌کنند. نوجوان امروز شبیه فضای مجازی است. هرکسی را که شبیه خودش نباشد ف ایگنور می‌کند و توی سطل آشغال ذهنی‌اش می‌اندازد. توی چارت دم و دستگاه‌های آماری مغز فعالش مدام وضعیت

یک نیمچه خواننده

با لهجه مازندرانی با من سلام و علیک می‌کند و می‌فهمم با پسری حدوداً ۱۵ساله و خیلی مودب مواجه‌ام. محمدحسن احمدی در پایه نهم تحصیل می‌کند و می‌خواهد به رشته ریاضی -فیزیک برود. دوست دارد یک مهندس کامپیوتر خفن شود و صدای خوبی هم دارد. می‌گوید خوانندگی را با مداحی شروع کرده و الان عضو گروه سرود نسیم رحمت به مدیریت آقای قربانی‌نسب است. او تک‌خوانی هم می‌کند و خودش را نیمچه‌خواننده می‌داند. البته او مکبر هم هست و در مساجد و مراسم مذهبی قرآن می‌خواند و اذان هر فشری قابل درک است و زندگی‌اش راه می‌دهد. او در کنار این همه کار، به ورزش کاراته‌اش هم رسیدگی می‌کند و دوست دارد سرباز خوبی برای امام‌زمان (عج) باشد؛ از آن ورزیده‌های همه فن حریفی که خیلی چیزها بلدند! می‌گوید موسیقی برای او آذان هر فشری قابل درک است و مدح اهل بیت(ع) را یک آهnrای خوب برای نوجوانان می‌داند؛ آهnrایی که هر دل صاف و ساد‌ای را به راحتی به خودش جذب می‌کند.

عجیب جنگ با عبارتی که حرف زدن هم راجع به آن سخت است، تمام می‌شود: «ای کاش من هزار جان می‌داشتم و در راه اسلام عزیز می‌دادم!» و این هزار جان متعلق به نوجوانی ۱۵ساله است که پیکرش ۱۳سال بعد از شهادتش پیدا شده‌است.

زادگاهش را با کشورهای دیگر می‌سنجد، حسرت می‌خورد چرا من اینجا به دنیا آمده‌ام و چرا مدرسه‌مان این شکلی است، خیابان و کنسرت و جشن‌ها و فرهنگ‌مان این شکلی است و چرا من این شکلی هستم.

مسئولان هم دست روی دست گذاشته‌اند و نه وضعیت واقعی را بهبود می‌دهند و نه این توهم تمام و کمال را. واقعاً همه چیز اینقدر زشت و سیاه است که درست بشو نیست و باید فاتحه‌اش را بخوانیم؟ این سنجش مدام الگوها و رفتارها پنجره‌های شخصیت نوجوان را به روی خیلی چیزها باز و به روی خیلی چیزها می‌بندد.

نوجوان امروز پرسرعت‌تر از آن است که برای فاصله خالی بین کلمات روحانیون برنامه‌های معرفتی بیشتر از شبکه‌های مجازی وقت بگذارد. او حتی برنامه‌های تلویزیون را از اینترنت می‌بیند و خریدهایش را اینترنتی انجام می‌دهد. دست سازندگان محصولات فرهنگی ما خالی است. ساخت چند فیلم سینمایی و نماآهنگ و برنامه تلویزیونی برای نوجوان‌ها میان سیل محصولات غربی کم می‌شود.

نوجوان دونده است، صبر ندارد، شاید یادش نداده‌ایم و شاید هم اقتضای زمانه است، هرچه باشد او ما را جا می‌گذارد میان جملاتی که در کتاب‌های مدرسه برایش نوشته‌ایم؛ نوجوان باید سواد رسانه‌ای داشته‌باشد و نگذارد ارزش‌ها و هویت ایرانی -اسلامی‌اش از بین برود. جملاتی که تنها جنبه از سر باز کردن و حفظیات کنکوری دارد و جز آن هیچ. نوجوان جمله «به‌جای استفاده بیش از حد از موبایل و اینترنت کتاب بخوانیم، ورزش و عبادت کنیم» را هم در تلفن همراه و اینترنت می‌خواند. کجا برایش سرگرمی سالم ساخته‌ایم و کجا از بین سیل ارزش‌ها و فرهنگ غربی که می‌آید او را ناامید، مقهور و خودباخته کند باریکه‌ای روان کرده‌ایم تا سوار قایق خودمان بشود؟ قایقی که خودمان چوبش را سوهان زده‌ایم، میخ‌ش را کوبیده‌ایم و خودمان رنگش کرده‌ایم؟ کجا ما قایق نوجوان را به آب فرهنگ غربی انداخته‌ایم که آمده او را از ما بگیرد و به شهرهای دور بربرد؟

نوجوان‌ها در عصر جدید

مهدی جعفری هم از آن ۱۴ساله‌هاست که احتمالاً اسم و چهره‌اش را در عصرجدید دیده‌اید. از بچگی خانواده و فامیل کم‌کم هنرش را درمی‌یابند و کلاس و استاد و ساز آ‌زمی‌شود؛ مثلاً در وسط هم‌مانی‌ها، نیمه‌شعبان و اعیاد مذهبی، یک چیزی دستش می‌رفته و شروع می‌کرده به خواندن؛ بعد هم که می‌بینند این مهدی‌خان از آن اهل صداهاست؛ می‌فرستندش به کلاس و ادامه‌ماجر را که خودتان بهتر می‌دانین.

مهدی جعفری دو بار در برنامه عصر جدید شرکت کرده و بار اول قبول نشده؛ اما امیدش را از دست نداده و بار دوم آمده و با نتیجه خوبی هم به خانه برگشته. مهدی حالا در اواسط نوجوانی دنیای مربیگری را هم تجربه می‌کند و به بقیه کلی چیز یاد می‌دهد؛ از گیتار و پیانو بگیر، تا آواز و.. بعد از همه این حرف‌ها مهدی با اطمینان کامل می‌گوید خدا استعداد نقاشی‌کردن را هم به او هدیه داده. الگوی مهدی جعفری در این عرصه، آقای بابک جهانبخش است و دوست دارد روزی یک مهدی جعفری محبوب، برای مردم سرزمینش باشد؛ روی سن برود و برای مردمش بخواند و دلشان را شاد کند. مهدی می‌خواهد از آنهایی باشد که در ذهن مردم ماندگار می‌شوند.



مسئول مربوطه! (قسمت ۴)

بدون دسترسی به هیچ نوع فیلترشکنی استفاده کند. البته یک استثنا برای نوجوان‌ها که مجبورند مدرسه آنلاین داشته باشند قائلم و آنها لازم نیست کار خاصی بکنند. این فقط شامل حال افراد بالای ۱۸سال می‌شود. مدیر در حال اظهار فضل بود که یک بار دیگر تلفنش به صدا در آمد. صدای پشت خط همان آدم قبلی بود؛ «چرا قطع کردید؟! داشتم این را می‌گفتم که راستی هرگز دچار افراط و تفریط نشوید. به خصوص برای قشر نوجوان یک فکر اساسی داشته باشید. البته ما دنبال بگیر و ببند نیستیم. اصلاً ولش کنید شما در موارد قبلی هم خروجی خوبی نداشته‌یت. من نمی‌دانم چرا به شما تماس گرفتم. به زودی حکم عزل شما می‌رسد من می‌خواستم با یک نفر دیگر تماس بگیرم. فکر کنم خط روی خط شده است.»

و گوشی را قطع کرد. نوشته‌ها حاکی از آن است که مسئول مربوطه که دیگر هیچ مسؤولیتی در هیچ زمینه‌ای در هیچ کجای جهان ندارد و هرگز هم نخواهد داشت در کوچه پسکوچه‌های کانادا مشغول فروش لوازم جانبی موبایل دیده شده است.



مدارکی مثل کپی شناسنامه و کارت ملی به علاوه دو تا عکس ۴در۴ و یک عکس قدی. البته به همراه داشتن عکس از کلیه، مری، ریه، جزایر لانگره‌اوس، ایم‌آرای از مغز و نخاع، گواهی صحت کلیه ها و گواهی غدد نواحی لوزالمعده و گواهی سلامت ذهن هم لازم است که قطعاً به سختی جمع‌کردن مدارک قبلی نیست.

ب) وجود یک ضامن ترجیحاً از افرادی که در بورس سهام زیادی دارند برای داشتن فالورهای بالای ۱۰۰ نفر

ج) نصب یک gps در روده کوچک فرد متقاضی

پس از طی این مراحل است که یک سیم کارت در اختیار وی قرار می‌گیرد که می‌تواند از ساعت ۳ تا ۳/۳۰ بامداد، یعنی به مدت نیم ساعت از اینترنت به صورت آفلاین و

درباره یک دستورنیمه‌کاره و مسؤولی که عزل شد

حواستو جمع کن!

در یک عصر پاییزی آقای مسئول مربوطه در اتاق خود مشغول یک گفت و گوی کارشناسانه با یکی از مشاورانش بود؛ «ما در یک سال گذشته اجازه فعالیت هر واینر و ماینر و بلاگرو فودبلاگر و اینفلوئنسر و فلان بیوتی و بهمان بیوتی و نهنگ آبی، صورتی یا حتی قرمزی را دادیم. مومو و جوجو و سی سی و خی خی و دی دی و هر شاخ تراشیده و تراشیده دیگری هم بدون هیچ محدودیتی هر کاری عشقشان کشید، کردند!»

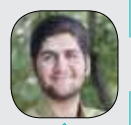
به نظر این نوع مدیریت خیلی به روز و مدرن است؛

در این حین آقایی که از بالا تماس گرفته بود با میزانی

عصبانیت این جملات را خطاب به مدیر مربوطه

گفت: «تقریباً ۵۰۰ الی ۶۰۰ میلیون نفر از جامعه ما به ویژه

کلی کودک و نوجوان در فضای مجازی کاربر هستند.



سیدسپهر جمعه‌زاده فرهنگی

به نظر شما نباید فضای مجازی از این ولنگاری کنونی خارج شود؟ لطفاً بعد از اخذ تصمیمات، گزارشی به این سمت گسیل بدارید. راستی...!« مدیر محترم اما قطع کرده بود. و چون نمی‌دانست باید چه کند اول فکر کرد لازم است برای تمام کسانی که دوست دارند

کوچک‌ترین فعالیتی در فضای مجازی انجام دهند یک سری قواعد کوچک و غیر دست و پاگیر وضع کند. با کمک مشاور خودش به چند قانون ساده رسید.

الف) هر موجود دوپایی که قصد فعالیت در فضای مجازی را دارد، چند مدرک ساده باید همراه داشته باشد تا بتواند یک کسب و کار اینترنتی راه اندازی کند.